

ریاست جمهوری یا کسب و کار خانگی؟



تتها یک روز تا انتخابات آمریکا باقی مانده و به زودی نتیجه رقابت «فیل» ها و «خر» ها مشخص خواهد شد. رقابتی که طی چندماه گذشته حواشی زیادی داشته است؛ از کناره گیری بایدن و جایگزین شدن کاملاً هریس تا سناریوی مشکوک تور ترامپ. علاوه بر اینها یکی از عناصر ثابتی که در ادوار انتخابات آمریکا تکرار می شود و به نوعی جنجال آفرین است، حضور فعال اعضای خانواده نامزدها در عرصه های مختلف سیاسی است. حواشی میشل اوپاما، همسر پارک اوپاما و اکت های سیاسی او در کنار کلینتون و کتانی که این شخصیت سیاسی درباره اعضای خانواده اش نوشته و همچنین محکومیت قضایی پسر بایدن و همسر هریس یک یهودی و مدافع سرسخت علیه یهودستیزی است، از جمله این موارد است. بررسی دقیق تر این نوع روابط و نسبت شان با امر انتخابات به این سؤال پاسخ می دهد که آیا در آمریکا هم روابط خانوادگی بر امور سیاسی و انتخاباتی اثرگذارند؟

ترامپ؛ خانواده یا لشکر سیاسی؟

دونالد از سه همسرش پنج فرزند و دو داماد دارد که تقریباً همگی اهل سیاست اند. در واقع ثروت عظیم این تاجر باعث شده تا اعضای خاندان پرجمعیتش نفوذ زیادی در حزب جمهوری خواه داشته باشند.

«دونالد ترامپ جونیور»، پسر ارشد دونالد ترامپ و ایوانا ترامپ، اولین همسر دونالد ترامپ است و در حال حاضر در سازمان ترامپ مسئولیت اجرایی دارد. او به عنوان یکی از حامیان برجسته پدرش در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ شناخته می شود. او فعالانه در تجمعات انتخاباتی شرکت می کرد و به دفاع از سیاست ها و دیدگاه های پدرش می پرداخت. جونیور ترامپ در انتخابات پیش رو هم در شبکه های اجتماعی با مخالفان پدرش بحث کرده و برای او رأی جمع می کند. پسر ارشد ترامپ حتی در برنامه های تلویزیونی مثل «Fox & Friends» هم شرکت می کند و رقیب پدرش را به باد انتقاد می گیرد.

«کیمبرلی گیلفویل»، همسر دونالد ترامپ جونیور است که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸ مجری فاکس نیوز بود. بعد از آن به یک کمیته اقدام سیاسی طرفدار ترامپ پیوست. گیلفویل مانند دونالد ترامپ جونیور حامی پدر همسرش بوده و در کمپین های مختلف انتخاباتی به ویژه با حضور در برنامه های تلویزیونی، مصاحبه ها و حمایت کرده است. «با وجود آنکه من پدرم را دوست دارم و همیشه از او حمایت می کنم، اما این کار را از این به بعد در خارج از صحنه سیاسی خواهم کرد.» این بخشی از آخرین حرف هایی است که «ایوانا ترامپ»، دومین فرزند ترامپ درباره حضور در کارزارهای انتخاباتی زد. ایوانا که در زمان ریاست جمهوری پدرش کمک های زیادی به او کرد و در رقابت های انتخاباتی دوره های قبلی با حضور مکرر در رسانه ها و محافل مختلف، کمپین او را تبلیغ می کرد. او همچنین به عنوان مشاور رسمی در کاخ سفید فعالیت می کرد و روی موضوعاتی از جمله حقوق زنان تمرکز داشت. با این حال اما مدتی است که این دختر ترامپ در کارزار انتخاباتی تمیز کم و با هریس دیده شده و طبق چیزی که اعلام کرده، قصد دارد از فضای سیاسی دور باشد. اگر چه ایوانا در کنگره ملی حزب جمهوری خواه حضور پیدا کرد، اما در آن سخنرانی نکرد تا دور بودنش از عرصه سیاسی را پررنگ تر کند. ملانیا ترامپ، همسر سوم ترامپ سال ۲۰۰۵ با دونالد ترامپ ازدواج و در زمینه جمع آوری کمک های مالی برای جمهوری خواهان فعال بود و حضور در گرد همایی حزب آنها، اولین حضور عمده او در این

دوره انتخاباتی است. «لارا ترامپ» همسر اریک، فرزند سوم ترامپ است و به عنوان ریاست مشترک کمیته ملی جمهوری خواهان شروع به کار کرده و فعالیت گسترده ای در کمپین های انتخاباتی ترامپ داشته و حتی در دوران ریاست جمهوری اش برای دولت ترامپ فعالیت هایی انجام می داد. او در گرد همایی جمهوری خواهان درباره این موضوع صحبت کرده که ترامپ به عنوان یک «پدر شوهر» چگونه آدمی بوده است.

تقابل داماد های ترامپ

همسر ایوانا «جرد کوشنر» است. شخصی که ترامپ در سال ۲۰۱۷ او را به عنوان مشاور ارشد کاخ سفید معرفی کرد و مسئولیت مذاکره برای صلح در قضیه فلسطین و رژیم صهیونیستی و مذاکره برای معامله با کشورهای خارجی را به دامادش سپرد. این درحالی است که اخیراً او در اظهاراتی گفته است که درخواست برای آتش بس در لبنان «اشتباه» است و اسرائیل باید کار خود را در لبنان تمام کند. کوشنر در صفحه خود در اینستاگرام، پست عجیبی گذاشته و نوشته است که «پس از موفقیت های تاریخی درخشان و سریع پیچرها، رادیو ها و هدف قرار دادن رهبری حزب الله و انبساط تسلیحات گسترده آنها، حزب الله بدون محافظ و بدون رهبر است.» اظهاراتی که با واکنش های تند در رسانه های اجتماعی رویه رو شد و با توجه به جمعیت قابل توجه حامیان فلسطین در ایالات متحده، ترامپ را با خطر ریزش آرای آنها بیش از پیش مواجه کرده است. به علاوه جرد کوشنر، نقش بسیار مهمی در کاخ سفید و به ویژه در مذاکرات خاورمیانه داشت. معاهده ابراهیم یکی از مواردی است که تحت رهبری او مطرح شد.

در نقطه مقابل این ماجرا اما همسر تیفانی ترامپ، دختر کوچک دونالد ترامپ یک لبنانی الاصل است. «مایکل بولس»، فرزند مسعد بولس، میلیاردر لبنانی است. این خانواده صاحب شرکت های متعددی به ارزش میلیارد ها دلارند و در بخش هایی مثل خودرو و ساخت وساز فعالیت می کنند. فارغ از همه اینها برخی خبرها حاکی از آن است که دونالد ترامپ به این وسیله در تلاش است تا آرای لبنانی ها و مسلمانان حاضر در ایالات متحده را در قبال تغییر وضعیت در غزه و لبنان بخرد. خود «تیفانی ترامپ» اما به اندازه سایر اعضای خانواده فعالیت سیاسی نداشته اما با این حال در انتخابات ریاست جمهوری در کنار پدرش و سایر اعضای خانواده در تجمعات انتخاباتی شرکت کرده و در چند رویداد برای حمایت از پدرش سخنرانی کرد و کمپین او را تبلیغ کرد. در میان اعضای خانواده دونالد ترامپ حتی نوه اش، «کای ترامپ»، دختر دونالد ترامپ جونیور و همسر سابقش، ونسا ترامپ هم در کارزار انتخاباتی او شرکت کرد و در گرد همایی جمهوری خواهان درباره این صحبت کرد که «ترامپ به عنوان یک پدر بزرگ چطور آدمی است؟»

هریس و همسر یهودی

خانواده «کاملا هریس»، رقیب انتخاباتی ترامپ اما به نسبت خلوت تر است. آنها فقط دو فرزند خوانده دارند و طبیعتاً ظهور و بروز آنها در عرصه سیاسی کمتر از خاندان ترامپ است. همسر او «آگلا س امهاف» وکیل دادگستری است که طی سه سال و نیم گذشته «به عنوان نماینده آمریکا و دولت بایدن» به بیش از ۲۰ ایالت و ۱۴ کشور سفر کرده است. نکته جالب توجه درباره همسر



هریس «یهودی بودن» او است. امهاف یک مدافع سرسخت علیه یهودستیزی است و به عنوان نماینده دولت ایالات متحده به مسائل مختلفی پرداخته است. او تلاش های زیادی برای مبارزه با یهودی ستیزی و نفرت پراکنی علیه یهودیان انجام داده است. داگ امهاف در کمپین های انتخاباتی، به ایالت های مختلف سفر کرد و در تجمعات انتخاباتی و رویداد های عمومی شرکت کرد تا از سیاست ها و دیدگاه های هریس حمایت کند.

دختر خوانده هریس و فعالیت علیه رژیم صهیونیستی

الامهاف، دختر خوانده هریس در صنعت مد و هنر فعالیت می کند و مواضع سیاسی او که شامل حمایت از فلسطین در جنگ اخیر است در شبکه های اجتماعی بازخورد های قابل توجهی داشته است. در بحبوحه اعتراضات حامیان فلسطین در سرتاسر ایالات متحده، دختر نانتی کاملا هریس از بیش از ۳۰۰ هزار دنبال کننده خود در اینستاگرام خواست تا به «آژانس امداد و کارایی برای آوارگان فلسطین (UNRWA)» کمک مالی کنند. همان آژانسی که مدتی قبل رژیم صهیونیستی در پارلمان خود قانونی مبنی بر محدود کردن فعالیت آنها تصویب و کمی بعد با بولد زور، دفتر مرکزی این ساختمان در نوار غزه را تخریب کرد.

اعضای خانواده عمده رؤسای جمهور ایالات متحده در کمپین های سیاسی و مقام های مختلف دولتی حضور داشته اند و مثل رهبری معاهده ابراهیم توسط داماد ترامپ، بر بسیاری از مواضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور اثرگذار بوده اند.

کدام شهر های دنیا سبز ترند؟ چطور می توان یک شهر با فضای سبز مناسب داشت؟

در جستجوی سبز پررنگ

هانیه درویشی خبرنگار

طبق توصیه سازمان بهداشت جهانی، حداقل سرانه فضای سبز شهری برای هر نفر ۹٫۵ مترمربع است. این درحالی است که در بسیاری از شهرهای جهان این عدد، رقمی روزیایی به نظر می رسد و دولت ها در کشورهای مختلف، طبق اولویت هایشان برنامه ها و استراتژی هایی برای افزایش این سرانه در دستور کارشان قرار داده اند. برنامه هایی که گاه باعث شده یک منطقه خشک و خالی تبدیل به یک ناحیه سرسبز شود و این جوری علاوه بر بهبود وضعیت هوا، حال مردم هم بهتر شود. ما در این گزارش اقدام سرانگیزانه چراغ های سبز سرانه فضای سبز، شاخص مهمی برای بهبود کیفیت زندگی است و میزان این سرانه را در کشورهای مختلف جهان مقایسه کرده ایم و البته نگاهی داشته ایم به تکنیک ها و استراتژی هایی که هر کشور برای بهبود این شاخص به کار بسته شده است. افزایش سرانه فضای سبز به یکی از مهم ترین موضوعات شهرهای بزرگ دنیا تبدیل شده است. انسان با تغییر و تخریبی که در همه این سال ها به واسطه گسترش شهرسازی و کارخانه سازی داشته، موجب روند کاهش پوشش سبز گیاهی و آسیب به مراتع و جنگل ها شده است. مشکلات ناشی از این تغییرات در اکوسیستم مانند تخریب لایه اوزون، گرمای زمین و بسیاری از این مسائل، موجب مطرح شدن یک جنبش محیط زیستی در دنیا شده و آن جنبش، افزایش سرانه فضای سبز یا ایجاد پارک ها، باغ ها و به طور کلی توسعه فضای سبز شهری است. همچنین با گسترش زندگی شهری، میزان استرس افزایش یافته و یکی از راه های کاهش اثرات این استرس، استفاده از فضای سبز است. فضای سبز علاوه بر آرامش روان بر سلامت جسم هم تأثیرات مثبت زیادی دارد و تحقیقات بسیاری وجود دارد که نشان می دهد زندگی در کنار گل و گیاه و درخت چقدر بر روی سلامت افراد مؤثر است.

سرانه فضای سبز شهرهای مختلف دنیا

سازمان بهداشت جهانی در دسترس بودن حداقل ۹٫۵ مترمربع فضای سبز برای هر فرد را توصیه می کند اما وقتی صحبت از ایستادگی و بهترین میزان به میان می آید، عدد ۵۰ مترمربع برای هر نفر عنوان می شود. با بررسی سرانه فضای سبز چندین پایتخت، قصد داریم ببینیم کدام شهرها به این عدد ایستادگی نزدیک یا توانسته اند نزدیک بشوند. هر چند باید در نظر داشته باشیم که اکثر شهرهای اروپایی خود به خود در منطقه جغرافیایی از زمین قرار دارند که در خطه سرسبز و پربارند و شاید تلاش زیادی برای رسیدن به این حداقل ها و حد اکثرها در برخی شهرها و کشورها نشده اما به هر حال نگهداری و حفظ پوشش گیاهی خودش مدیریت خوبی را می طلبد. بین پایتخت تیرش جزء سرسبزترین شهرهای جهان محسوب می شود؛ چراکه برای هر یک از ۱٫۸ میلیون شهروندش، حدود ۱۰۰ مترمربع فضای سبز وجود دارد که این آمار دو برابر آمار ایستادگی سرانه فضای سبز جهانی است. اسلو، پایتخت نروژ از سال ۲۰۱۹ لقب پایتخت سبز اروپا را در اختیار دارد. طبق داده های منتشر شده، فضای سبز کلی برای هر نفر در اسلو در سال ۲۰۱۸، ۳۰۹٫۵ مترمربع بوده



است که این رقم همه ساله در حال افزایش است. فضای سبز کلی برای هر نفر در لندن ۲۱٫۶۹ مترمربع است. در مسکو به ازای هر نفر ۲۰ مترمربع فضای سبز وجود دارد. پایتخت هند، دهلی نو سبزترین کلان شهر هند با حدود ۲۲ درصد پوشش سبز است و سرانه فضای سبزش حدود ۲۰ مترمربع برای هر نفر است. سرانه فضای سبز پکن ۱۶٫۹ مترمربع است. این شهر امسال به پوشش جنگلی شهری ۴۹٫۸ درصد دست یافته که رشد قابل توجهی است. سرانه فضای سبز سنگاپوری ها حدود ۱۵ مترمربع برای هر نفر است. گزارش ها حاکی از آن است که در حال حاضر بیش از ۴۰۰ پارک و چهار جنگل محافظت شده کاملاً سبز در سنگاپور وجود دارد و تا سال ۲۰۲۶، نرخ فضاهای سبز شهری به ۳۰۰ هکتار خواهد رسید. ضمن اینکه ۲۰۰ هکتار فضای سبز عمودی تا سال ۲۰۳۰ برای این شهر و کشور پیش بینی شده است. سرانه فضای سبز شهری توکیو ۵۷٫۳ مترمربع به ازای هر نفر است و در استانبول این عدد، ۵۹٫۰ مترمربع برای هر نفر است. سهم سرانه فضای سبز قاهره در سال ۲۰۲۰ به ۷۴٫۰ مترمربع رسید و سرانه فضای سبز کابل ۶۶٫۹ مترمربع یعنی شاید در کمترین حالت ممکن برای هر نفر است. تقریباً در اینجهام می توان تفاوت کشورهای پیشرفته و فقیر را به خوبی مشاهده کرد.

سبزترین شدن چطور اتفاق می افتد؟

جنبش افزایش سرانه فضای سبز در برخی کشورها و شهرها به شدت جدی گرفته شده و در برخی مناطق نه، به طور کلی مردم شهرهای اروپایی بیشترین دسترس را به فضای سبز شهری دارند؛ اما باز هم شهر به شهر و منطقه به منطقه آن متفاوت است. مثلاً بیش از ۸۰ درصد مردم استکهلم در سوئد به فضاهای

شخصاً بر برنامه های سبز کردن مجدد مرکز شهر نظارت می کرد. البته این حرف را می توان به ارادت احتمالی پوپوف به استالین یا ترس از او هم مربوط دانست! اما تا سال ۱۹۶۱، کارگران جنگل داری بیش از پانصد هزار درخت و درختچه در مسکو کاشتند. در ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ نیز شاهد بازسازی بزرگ ترین پارک های عمومی مسکو بودیم. در قرن بیستم، پارک های بزرگ بیشتری در مسکو سازماندهی شد. در حال حاضر، امور فضای سبز مسکو تحت کنترل شدید دولت این شهر است. در سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، چهارصد و سی و دو هزار درخت و ۳٫۵ میلیون درختچه در این شهر کاشته شد و از سال ۲۰۱۳، یک طرح دولتی به نام «یک میلیون درخت» برای کاشت پوشش گیاهی در داخل حیاط های داخلی ساختمان های آپارتمانی به انجام رسید. همچنین در مسکو قانونی وجود دارد که قطع کردن یک درخت (به عنوان مثال، در حین ساخت خانه) را دشوار می کند. به این ترتیب اگر مجبور به این کار شدید باید آن را با کاشت دو درخت جبران کنید و اینچنین این شهر عنوان یکی از سرسبزترین پایتخت های جهان را حفظ کرده است.

استراتژی ۳-۳۰-۳۰۰

اخیراً در اروپا با توجه به توافق و تأکید بر نقش مؤثر توسعه فضاهای سبز بر دمای هوا و سلامت هوا، بخش رویکرد های طبیعت محور برای بهبود دسترسی شهروندان به فضای سبز به صورت برابر، استراتژی ۳-۳۰-۳۰۰ را مطرح کرده است. بخش اول این استراتژی به این معنی است که هر شهروند اروپایی باید در نزدیکی محل سکونت خود به سه درخت دسترسی داشته باشد. عدد ۳۰ در این استراتژی یعنی ۳۰ درصد از هر منطقه را مساحت های درختی فراگیرد و در نهایت، عدد ۳۰۰ به این معناست که هر شهروند اروپایی نباید در فاصله بیش از ۳۰۰ متری از یک پارک یا فضای سبز با مساحت حداقل یک هکتار زندگی کند. این قبیل استراتژی ها میزان اهمیت فضای سبز در زندگی شهری انسان را نشان می دهد.

تهران و کمربند سبزنگش

توسعه فضای سبز در تهران به یکی از مهم ترین برنامه هایی است که مدیریت شهری در دوره های مختلف آن را دنبال کرده است. در چند سال اخیر هم تحول بوستان ها و توسعه آن ها به عنوان یکی از مهم ترین اولویت ها در نظر گرفته شده است. در حال حاضر تعداد بوستان های شهر تهران به دو هزار و ۳۹۰ بوستان محله ای، منطقه ای و فرامنطقه ای رسیده است. همچنین طرح کمربند سبز پیرامونی شهر تهران که قبلاً سالانه بین ۹۰۰ تا هزار هکتار از این طرح در پایتخت طراحی و اجرا می شد، اخیراً با سرعت بیشتری در دستور کار قرار گرفته که طی سال ۱۴۰۰، هزار و ۲۵۰ هکتار و در سال ۱۴۰۱، هزار و ۵۰۰ هکتار در قالب طرح کمربند سبز پیرامونی شهر تهران عملیاتی و اجرا شد. به این ترتیب شاخص سرانه فضای سبز تهران امسال به عدد ۱۶٫۷ متر مربع به ازای هر نفر یعنی تقریباً دو برابر استاندارد جهانی رسیده و قرار بر این است که تا پایان سال ۱۴۰۳ طرح ۵۰۰ هزار هکتاری کمربند سبز تهران به اتمام برسد و اینچنین می توان منتظر افزایش میزان سرانه فضای سبز، اکسیژن بیشتر و کاهش آلودگی هوا در تهران باشیم.

سبز شدن و سبز ماندن اتفاقی نیست

مسکو نمونه بارز حرکت به سمت سبز شدن است. ولادیمیر پوتین، روزنامه نگار روسی قرن نوزدهم، جایی نوشته: «مسکو توسط بلوارها احاطه شده است. آن ها نه تنها یک زینت، بلکه یک مزیت مهمند. هنگامی که خارجی ها با نگاهی به طرح مسکو، این حلقه سبز را می بینند، با افتخار به آن توضیح می دهیم که در زمستان و تابستان، هم بیمار و هم سالم و هم افراد مسن و هم کودکان می توانند در شهر و در بین درختان قدم بزنند.» گئورگی پوپوف یکی از مقامات حزب کمونیست مسکو، گفته بود که دو سال پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷، استالین